

میلیاردها دلار سرمایه خارجی در راه ایران

سال 95 از نظر اقتصادی سال بسیار خوبی خواهد بود...



دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در گفتگو با اطلاعات اعلام کرد

میلیاردها دلار سرمایه خارجی در راه ایران

سال 95 از نظر اقتصادی سال بسیار خوبی خواهد بود

اشاره: آنچه به عنوان مطلع نوروزنامه اطلاعات می خوانید حاصل گفتگوی صمیمانه ای است که با دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در آستانه فصل بهار انجام داده ایم. او، در گرمای مشغله و مسئولیت بسیار، خیلی زود دعوت ما را پاسخ گفت و بر سر میز ساده ای در نهاد ریاست جمهوری میهمانش شدیم. حیف که فرصت کم بود و سخن های این مرد آهنین دولت، ناتمام ماند...

اسحاق جهانگیری زاده ۲۰ دی ۱۳۳۶ در سیرجان است. وی پس از پایان تحصیلات متوسطه، در دانشگاه کرمان به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ مدرک کارشناسی فیزیک و کارشناسی ارشد مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف شد. وی همچنین دارای دکترای مدیریت صنعتی از دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد علوم و تحقیقات است. جهانگیری پس از انقلاب، در سال ۱۳۵۸ در جهاد سازندگی ریگان بم کار خود را شروع کرد و بعد از مدتی به عنوان مسئول جهاد سازندگی جیرفت مشغول به کار شد. وی پس از آن به عضویت شورای مرکزی استان کرمان منصوب شد و تا اواسط ۱۳۶۳ در جهاد کشاورزی مشغول بود. او در سال های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۰ در دور دوم و سوم مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم جیرفت بود. در سال ۱۳۷۱ در دولت هاشمی رفسنجانی به سمت استاندار استان اصفهان منصوب شد. اسحاق جهانگیری در دولت سید محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ ابتدا به عنوان وزیر معادن و فلزات انتخاب شده و بعد از ادغام وزارت صنایع و وزارت معادن و فلزات، به عنوان وزیر صنایع و معادن انتخاب شد. وی عضو هیئت علمی بنیاد باران است. اسحاق جهانگیری در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۹۲ به عنوان معاون اول رئیس جمهور منصوب شد. ماهنامه صنعت و توسعه در حال حاضر به صاحب امتیازی و مدیریت مسئولی او منتشر می شود.

* خبر خوبی در آستانه فصل بهار برای مردم دارید که تاکنون اعلام نشده است؟

قبل از هر چیز درباره روزنامه اطلاعات و آقای دعایی بگویم. ارادتم به آقای دعایی سابقه طولانی دارد. آقای دعایی را همه کرمانی ها و یزدی ها و همه ایرانی ها دوست دارند. ما کرمانی ها ایشان را کرمانی و یزدی ها ایشان را یزدی می دانند، به هر حال من جزو ارادتمندان ایشان هستم و روزنامه و مؤسسه اطلاعات هم جزو مجموعه های موفق بوده که در طول دوران مسئولیت ایشان علیرغم همه فراز و نشیب های سیاسی مواضع مستقلانه، دقیق و عاقلانه گرفته و این مواضع در همه مواقع ادامه یافته است و شاید یکی از دلایل انتخاب من هم همین موضع بود که با روزنامه اطلاعات مصاحبه کنم.

اینکه بخواهیم در آستانه بهار خبر خوب به مردم بدهیم، چون خود مردم کار بسیار بزرگ و مهمی در اوایل اسفند امسال انجام دادند و کل جامعه و دولت تحت تأثیر این کار مهم قرار گرفته است، درک همین پیام رأی مردم و معنای دقیق آن می تواند آغاز کارهای بزرگی در حل مشکلات مردم و کمک به رونق اقتصادی و تحکیم عقلانیت و اعتدالی که لازم است بر امور کشور حاکم شود و تقویت بنیان های مردم سالاری باشد. این اتفاق در آستانه بهار هر ایرانی علاقه مند نسبت به نظام و ایران را خوشحال کرده است و در آینده هم اثراتش در تمامی بخش ها دیده خواهد شد، اما آنچه که مهم است این که آثار دستاوردهای این انتخابات و دستاوردهای برجام و کارهای دولت در دو سال گذشته در سال 95 آشکار خواهد شد و پیش بینی ام این است که در سال 95 از نظر اقتصادی سال بسیار خوبی خواهیم داشت و رشد اقتصادی بالایی باید داشته باشیم.

در زمینه های اقتصادی دستاوردهای قابل توجهی در سال 95 خواهیم داشت، که هم معیشت مردم را تحت تأثیر قرار دهد و هم رونق اقتصادی را در کشور به دنبال داشته باشد و احساس کنند وارد یک فضای پرونق اقتصادی شده اند. در واقع آغازش از اینجاست که از بهمن ماه امسال فروش نفت ما افزایش یافته است و حدود 400 هزار بشکه نفت اضافه تر از 10 ماه اول امسال فروختیم.

اسفند هم بر این میزان افزوده خواهد شد. در فروردین و اردیبهشت هم فروش نفت اضافه خواهد شد و پیش‌بینی‌ام این است که در اردیبهشت یا خرداد به سقف صدور 2 میلیون بشکه در روز خواهیم رسید. به این علت که از قبل پیش‌بینی کرده بودیم که به چنین روزهایی می‌رسیم لذا شهریورماه 800 میلیون دلار از منابع صندوق توسعه را با مجوز مقام معظم رهبری در اختیار وزارت نفت قرار دادیم تا موانع تولید را برطرف کند و بتواند به سرعت بعد از لغو تحریم‌ها، افزایش تولید و صادرات داشته باشد. از طرفی هیأت‌هایی که دارند، می‌آیند مذاکره می‌کنند، تفاهمنامه امضا می‌کنند، قرارداد امضا می‌کنند، نمود واقعی‌اش باید در سال 95 آشکار شود. پیش‌بینی می‌کنم در سال 95، میلیاردها دلار منابع خارجی به سمت کشورمان در بخش‌های مختلف اقتصادی و صنایع مهم، نفت و گاز، پتروشیمی و صنایع معدنی خواهد آمد. به طور طبیعی بعد از یک دوره طولانی نبود سرمایه‌گذاری منابع جدیدی شکل خواهد گرفت و کمک خواهد کرد تا سیستم بانکی ایران بتواند فعل و انفعالات جدی‌تری را با خارج برقرار کند.

همچنین هزینه‌های اضافی که بر تولیدات کشور تحمیل می‌شد، به عنوان مثال نحوه نقل و انتقال پول که بعضاً هزینه‌هایش خیلی بالا بود، کاهش خواهد یافت. دوستان قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) در مراسم افتتاح فاز 15 می‌گفتند که برخی از مواقع پول‌هایی را که برای خرید برخی تجهیزات جابه‌جا می‌کردند تا 25 درصد هزینه اضافه تحمیل می‌کرد و قاعدتاً همه این هزینه‌های اضافی از بین خواهد رفت و در حد هزینه‌های مرسوم بین‌المللی خواهد شد. کشتیرانی کشور فعال خواهد شد، لذا فکر می‌کنم سال 95 سال بسیار خوبی خواهد بود. شاید این خبر خوبی برای مردم باشد.

* برآورد نرخ رشد اقتصادی ما چقدر است؟

مجامع بین‌المللی به ویژه صندوق بین‌المللی و بانک جهانی این رشد را بین 5 تا 6/7 درصد پیش‌بینی کرده‌اند، ولی من فکر می‌کنم این میزان در سال آینده در محدوده 7 درصد باشد.

همان‌گونه که گفتید هزینه تولید به ویژه به خاطر تحریم‌ها، دلالتی و هزینه‌های دیگر مانند پایین بودن بهره‌وری و ضعف تکنولوژی و فرسودگی ماشین‌آلات بالاست و یکسری هزینه‌ها هم به دلایل اجتماعی است. به عنوان مثال حدود 15 سال پیش به معدن البرز شرقی در شاهرود رفتیم که بخشی از ذغال‌سنگ ذوب‌آهن را تأمین می‌کند، آنجا گفتند قیمت تمام شده خیلی بیشتر از واردات است. به تازگی شماری از مدیران ذوب‌آهن اصفهان نزد ما بودند و می‌گفتند اکنون ذغال وارداتی را از معادن روباز استرالیا وارد می‌کنند و در شرکت کیلویی 500 تومان تمام می‌شود و محصول البرز شرقی را که قدرت حرارتی‌اش هم خیلی پایین‌تر است کیلویی 750 تومان می‌خرند. می‌گفتند دچار بحران هستند و یکی از دلایل بحران این است که 5000 میلیارد تومان کسری بودجه داریم و نتوانسته‌ایم حقوق پرسنل را بپردازیم. این یک نمونه است و شما بهتر آمارها را می‌دانید بخشی از صنایع ما در بحران هستند حتی حقوق پرسنل را نمی‌توانند بدهند و این ناشی از رکود است؛ رکودی که دولت پارسال اعلام کرد که برنامه خروج غیرتورمی از رکود دارد. کنترل تورم محقق شد اما رکود همچنان سر جای خود است. چه چشم‌اندازی دارید و با چه ابزارهایی می‌خواهید رونق را به بازار برگردانید؟ اکنون بخش مهمی از صنایع مرتبط با مسکن است و شما می‌دانید حدود 150 صنعت با مسکن‌سازی مرتبط هستند، اما به دلیل اینکه مسکن در رکود است، آنها هم در رکود قرار گرفته‌اند. مشخصاً دولت چه ابزاری دارد که بتواند رونق را به بازار برگرداند؟

دولت در مقطعی شروع به کار کرد که با مسائل زیادی روبرو بود، یکی از مهمترین آن تورم بسیار بالا یعنی 40 تا 42 درصد بود.

رکود در بدترین حالت خود بود و بعد از انقلاب این رکود شدید و تورم بالا را برای نخستین بار با هم داشتیم. سال‌هایی بود که تورم بالا داشتیم اما رشد هم بود. سال‌هایی بود که رشد پایینی داشتیم اما تورم بالا نبود. اما این که رکود شدید و تورم بالا همزمان اتفاق افتد، در 50 سال اخیر منحصر به فرد بود. ما در حالی تورم 40 درصدی را تجربه می‌کردیم که رشد اقتصادی منفی 6/8 درصد هم حاکم بود. این دوره یک ویژگی داشت و آن این که درآمدهای کشور بالا بود. در دوره‌ای نفت با قیمت بالای 100 دلار می‌فروختیم و تلاطم جدی در فضای شاخص‌های کلان اقتصادی که نمود و نمودش در نرخ ارز بود و به سرعت در یک دوره زمانی کوتاهی روزانه و حتی شاید ساعتی قابل تغییر بود و تغییر می‌کرد.

انبارهای داخل کشور از نظر وجود کالاهای اساسی تقریباً خالی و کارخانه‌ها هم به خاطر رکود تجارت خارجی در وضع نامناسبی قرار داشتند. در مقطعی در سال 92 در یکی از استانهای کشور با سه روز موجودی گندم روبرو بودیم و واقعاً آن روزها از جمله سخت‌ترین و تلخ‌ترین روزها بود و حتی این درد را نمی‌شد جایی گفت، فقط باید فکر می‌کردیم که چگونه از جاهای مختلف کشتی پیدا کنیم و بتوانیم گندم بیاوریم و توزیع کنیم تا برای مردم مشکلی پیش نیاید.

مجموعه سیاست‌های دولت از پاییز 92 به اجرا درآمد و مهمترین ویژگی دولت این بود که مدیران مجرب و به مسائل کشور

مسلط بودند و می‌دانستند که چه تصمیمی باید اتخاذ کنند. نتیجه آن تصمیم‌ها این شد که نرخ تورم کاهشی شد، در حدی که هیچ کدام از اقتصاددان‌های بیرون دولت باور نمی‌کردند که دولت بتواند در مدت 2/5 سال تورم نقطه‌ای را - طبق گزارش مرکز آمار - به 8/9 درصد و براساس گزارش بانک مرکزی به 9/6 درصد برساند. تورم سالانه هم حدود 11 درصد است. البته از اول امسال تورم حدود 12 درصد را پیش‌بینی می‌کردیم، با این که اقتصاددان‌ها می‌گفتند با توجه به بهای نفت امسال تورم بالایی خواهیم داشت. الحمدلله معلوم شد که سیاست‌های دقیقی اتخاذ شده است.

با وجود شرایط رکود سخت ولی سال 93 به رشد مثبت اقتصادی تبدیل شد به طوری که در کل سال 93 رشد اقتصادی 3 درصد داشتیم. این شرایط و ثبات اقتصادی و آرامش در اقتصاد کشور به سرعت حاکم شد. قیمت دلار در بهمن و اسفند 91 حدود 4 هزار تومان بود. اکنون پس از گذشت 2/5 سال حدود 2 تا 3 درصد مانور نرخ ارز داشتیم.

اکنون شاخص‌های اصلی اقتصادی از آرامش برخوردارند. البته یکی از دلایل فرابخشی‌اش این است که امید و اطمینان در مردم به وجود آمده است و این بزرگترین سرمایه دولت به شمار می‌رود که مردم امید و باور دارند که مسائل کشور روز به روز قابل حل است و دولت توانایی حل مشکلات را دارد بنابراین دست به حرکت‌های شتابزده نمی‌زند. در دولت هم پذیرفته شده که باید تصمیم‌ها از پشتوانه علمی و کارشناسی دقیق برخوردار باشد. ولی چرا در سال 94 موفق نشدیم شرایط رونق سال 93 را ادامه دهیم؟ یک علت مهم این است که امسال اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ داده و آن کاهش شدید بهای نفت در کنار تحریم‌ها با هم بوده است.

تا دو ماه قبل در تحریم بودیم و قیمت نفت هم از 100 دلار به حدود 25 دلار در مقطع فعلی رسیده است. این در شرایطی است که باید 20 درصد از درآمد نفت 25 دلاری را به صندوق توسعه ملی واریز کنیم. همچنین با همین نفت 25 دلاری باید بخشی از بدهی‌های دولت گذشته را پرداخت کنیم.

یک مورد را که شاید برای مردم جالب باشد، اشاره می‌کنم. در عید سال 92 دولت دهم حدود 2 میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی برداشت کرد و به عنوان عیدانه یک سبد کالایی به مردم داد.

امتیاز این کار برای دولتی بود که این کار در آن را انجام داده بود اما یک دلار آن را پرداخت نکرده بود و دولت یازدهم باید ماه به ماه اقساط 2 میلیارد دلار عیدانه دولت دهم را آن هم در شرایط کسری بودجه پرداخت کند. همه کشورهایی که با عوارض کاهش قیمت نفت مواجه شده‌اند به صندوق‌های ذخایر ارزی دوره گذشته خود رجوع و میلیارد‌ها دلار برداشت کردند تا بتوانند شرایط اقتصادی خود را حفظ کنند. عربستان بیش از 100 میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه‌اش را برداشت کرد. روسیه افت شدیدی در ارزش پول ملی‌اش را تجربه کرد. جمهوری آذربایجان افت شدید درآمدی داشته و کشورهایی مثل ونزوئلا ارزش پول ملی‌اش به یک هفتم کاهش پیدا کرد. تقریباً اکثر کشورهای نفت‌خیز امسال با مشکلات جدی روبرو شده‌اند. لیکن علیرغم اینکه در تحریم بودیم و همه این محدودیت‌ها را داشتیم، پیش‌بینی‌ام این است که رشد اقتصادی کشور در پایان سال 94 منفی نخواهد شد.

به بیان دیگر تورم را کاهش دادیم و رشد اقتصادی هم منفی نخواهد بود. البته آمارها را بانک مرکزی و مرکز آمار ایران باید اعلام کنند تا مشخص شود، اما آیا معنایش این است که مردم آن را در زندگی خود حس می‌کنند؟ یا کارخانه‌ها وضع خوب اقتصادی را درک می‌کنند؟ پاسخ در هر دو بخش منفی است. کارخانه‌ها با مشکلات جدی روبرو هستند و بخشی از این مشکلات مربوط ساختار کارخانه‌های کشور است. همان‌گونه که در سولاتان آمده است، اساساً تولید ذغال سنگ در ایران از زمان راه افتادن آن به دلایل متعددی از جمله عرض بسیار کم رگه‌های ذغال سنگ و ایجاد تونل‌های بسیار، تولید آن کار بسیار سختی است. تولید ذغال سنگ در ایران نسبت به تولید ذغال سنگ در استرالیا و جاهایی که نام بردید که معادن رو باز دارند و با بولدورز برداشت می‌کنند، بسیار هزینه بر است. اینجا کارگران در شرایط سخت کار می‌کنند و بعضی با این شرایط سخت معدن از نظر سلامتی با مشکل مواجه می‌شوند.

کارخانه‌های ایران هم به دلیل ساختار مدیریتی و سازمانی و نیروی انسانی مشکلات جدی دارند و نمودش هم در بهره‌وری است که اشاره کردید. البته این گونه نیست که در بخش دولتی بهره‌وری پایین و در بخش خصوصی بالا باشد. خیر اکثر کارخانه‌های خصوصی هم از نظر بهره‌وری نیروی انسانی و سرمایه و حتی عوامل تولید وضع مناسبی ندارند. به همین دلیل علیرغم اینکه در برنامه‌های گذشته گفته شده که باید 30 درصد از رشد اقتصادی کشور از محل بهره‌وری باشد اما تقریباً هیچ کدام اتفاق نیفتاده است. در 10 سال اخیر رشد از محل بهره‌وری تقریباً صفر و شاید هم منفی بوده است.

لذا فکر می‌کنم برای اینکه کارخانه‌ها و کارگاه‌ها روی خط تولید بیفتند باید اصلاح ساختاری انجام دهند. یکی از طرح‌هایی که در اقتصاد مقاومتی به آن پرداخته‌ایم، نوسازی صنایع است. نوسازی با همین ذهنیت که تکنولوژی جدید بیاید تا ساختارهای

کارخانه‌ها، نیروی انسانی، ساختار مالی در بنگاه‌ها اصلاح شود. سیاست‌های کلان را هم دولت اتخاذ کند و فضای اقتصاد کلان مثبت شود و من فکر می‌کنم که از سال 95 که وارد دوره رونق خواهیم شد، رشد اقتصادی مستمر باشد و منجر به ایجاد شغل، درآمد و رفاه برای مردم شود. در طول سال 91 و 92 به نسبت سال 90 درآمد جمعیت شهری 15 درصد و درآمد روستایی 29 درصد کاهش داشته است و در این صورت شما هرچه هم تلاش کنید، طبیعی است درآمد مردم هنوز به درآمد سال 90 نرسد. یعنی با این اتفاقات که افتاده است، مردم نمی‌توانند زندگی خود را مطابق با سال 90 اداره کنند. لذا باید کار وسیعی صورت گیرد تا بتوانیم آن تخریب‌هایی که در اقتصاد رخ داده است، اصلاح کنیم و وارد دوره‌ای شویم که مردم احساس کنند، اقتصاد کشور در زندگیشان خود را نشان می‌دهد.

* اشاره به کاهش بهای نفت کردید که موجب کاهش مجدد نرخ رشد اقتصادی در سال 94 شد، اکنون منابع به اصطلاح علمی پیش‌بینی کردند که چشم‌انداز نفت کماکان به همین شکل خواهد بود. یعنی چشم‌انداز روشنی از افزایش بهای نفت نیست و شما هم گفتید که وضع اقتصاد خیلی از بهای نفت تأثیرپذیر است در این شرایط دشوار هیچ تصمیم و برنامه ویژه‌ای برای مدیریت این وضع در دولت هست؟

اولاً تفاوت کشور ما با کشورهای دیگر این است که به دلیل تحریم‌ها نمی‌توانستیم تا بهمن بیش از یک میلیون بشکه نفت صادر کنیم، یکی از نتایج برجام این خواهد بود که در سال 95 حتماً 2 میلیون بشکه نفت خام صادر می‌کنیم و بخشی از کاهش درآمد به این شکل جبران خواهد شد.

از طرف دیگر اخیراً تحرکی در برخی از کشورهای نفتی به وجود آمده است و وزیران نفت قطر و عراق به تهران آمدند و در قطر هم جلسه‌ای داشتند که وزیر نفت سعودی هم آنجا بود و گفتگو‌هایی در میان کشورهای تولید کننده نفت آغاز شده است تا جلو روند کاهش قیمت نفت گرفته شود به این دلیل که این روند برای بسیاری از کشورها غیر قابل تحمل است. ایران در بین این کشورها کمترین میزان وابستگی به درآمدهای نفتی را دارد، بیش از 95 درصد بودجه عراق به درآمد نفت وابسته است. الجزایر هم چنین وضعی دارد در حالی که فقط 30 درصد بودجه کشور ما به نفت وابسته است و فکر نمی‌کنم از نظر بودجه چندان دچار مشکل شویم به ویژه اینکه امسال یک میلیون بشکه نفت، صادرات اضافه خواهیم داشت و سال 95 اولین سالی است که منابع جدید خارجی اقتصادی به سمت ایران خواهد آمد و بیش از درآمد نفت بر اقتصاد ایران تأثیرگذار خواهد بود. بخش خصوصی هم با لغو تحریم‌ها وارد دوره جدیدی می‌شود و منابع را درگیر اقتصاد کشور می‌کند یعنی به سمت سرمایه‌گذاری و تولید جهت‌گیری خواهد داشت. همه اینها، برنامه‌ای را که باید برای سال آینده اجرا شود، تکمیل می‌کند.

* بی‌تردید شما هم با بسیاری از افراد مواجه شده‌اید که فرزندان بیکار تحصیل کرده دارند و خواهان آنند که در جایی به کار گمارده شوند. تا این مشکل مهم در کشور باشد و از آن سو واحدهای صنعتی نیمه فعال یا تعطیل وجود داشته باشند احساس آرامش و امنیت خیال در جامعه به وجود نمی‌آید. به طور ملموس دولت چه وقت می‌تواند به این مشکل رسیدگی کند؟

اینکه اکنون تعداد زیادی از جوانان بیکار هستند، یک واقعیت است. اینکه دولت از این شرایط به شدت در رنج است و می‌داند مردم چه سختی‌هایی به خاطر بیکاری فرزندان‌شان تحمل می‌کنند، این هم یک واقعیت دیگر است. اینکه بیکاری چه راهی برای مقابله دارد، به نظر من یک موضوع تجربه شده‌ای است. این اتفاق جز با سرمایه‌گذاری و افزایش تولید رخ نمی‌دهد. حتماً برای اینکه با بیکاری مقابله کنیم باید شرایطی در کشور به وجود آوریم تا سرمایه‌گذاری انجام گیرد و تولید افزایش یابد. از پاییز 92 تا 94 طبق آمار مرکز آمار ایران یک میلیون و 179 هزار شغل خالص ایجاد شده است اما به دلیل عمق بیکاری در کشور، احساس نمی‌شود. این در مقابل تقاضایی که وجود دارد عدد قابل توجهی نیست لذا باید به نقطه‌ای برسیم که سالانه بیش از یک میلیون شغل ایجاد شود. البته لازمه‌اش این است که فضای کسب و کار در کشور بهبود یابد و درست شود. این دولت از زمانی که مسئولیت مدیریت کشور را بر عهده گرفت، بهبود شرایط کسب و کار را در دستور کار اصلی خود قرار داد و دفتری در وزارت اقتصاد و دارایی ایجاد کرده‌ایم، آن هم برای این که موانع را شناسایی و برطرف کند و همه دستگاه‌ها هم مکلف شده‌اند در این زمینه همکاری کنند.

یکی از کارهای این دفتر این است که مشخص کرد 2000 مجوز در دستگاه‌های مختلف برای اینکه کسی بخواهد فعالیت اقتصادی انجام دهد، بایستی صادر شود. ما به دستگاه‌ها گفتیم باید تا جایی که مشکل ایجاد نمی‌کند، این مجوزها را لغو کنند و حتی اگر لغو نکردند، شخص وزیر اقتصاد اختیار دارد مجوزهایی که دستگاه‌ها دارند و لغو نمی‌کنند، لغو کند. به همین دلیل رتبه ایران در دو سال گذشته در فضای کسب و کار از 152 به 118 ارتقا پیدا کرده است و امیدواریم با کارهایی که در دست انجام داریم، این رتبه بهتر هم شود. معطلی در گمرک برای کسی که بخواهد واردات و صادرات انجام دهد در حد چند روز شده است. دیگر ماه‌ها معطلی برای انجام کار گمرکی معنی ندارد. کار دیگر اینکه باید تشویق کنیم که بخش خصوصی درگیر کار شود چرا که تولید و سرمایه‌گذاری جز با بخش خصوصی میسر نیست. در این زمینه هم سعی کرده‌ایم این علامت واقعی را به بخش خصوصی بدهیم و بخش خصوصی از دولت تدبیر و امید علامت‌های صحیح دریافت کرده است و فکر نمی‌کند که این دولت

ساختگی یا از روی نیاز می‌گوید که طرفدار بخش خصوصی است. تقریباً در کارنامه تمامی مسئولان این دولت که مدافع بخش خصوصی هستند در تمامی مقاطعی که مسئولیت داشتند، این سابقه وجود ندارد. لذا بخش خصوصی باید میداندار شود و شرایط را برای خود به وجود آورد. خصوصی‌سازی دولت را باید واقعی کنیم. خصوصی‌سازی دولت در گذشته به سوی بنگاه‌های غیرخصوصی یا همان خصولتی که مطرح بود، رفتند.

ما هم سعی کردیم در این دوره، خصوصی‌سازی به معنای واقعی آن مورد توجه قرار گیرد. سیستم بانکی کشور هم دچار بحران‌های جدی است و باید آن را از این شرایط بیرون آوریم. اکنون منابع سیستم بانکی در جاهای مختلفی گیر افتاده و بخشی تبدیل به بدهی‌های دولتی و بخشی به عنوان معوقه بانکی جای دیگری رفته است. بانک تقریباً بر کمتر از 50 درصد سپرده‌های مردم می‌تواند مدیریت کند و همین میزان هم به سمت املاک و دارایی‌های غیرفعال بانک‌ها رفته است، لذا باید نظام بانکی را حتماً اصلاح کنیم. اگر مجموعه این شرایط به دنبال اجرای برجام که بندها و زنجیرها را از پای اقتصاد ایران باز کرده است اتفاق افتد حتماً در یک دوره قادر خواهیم بود بر مشکل بیکاری فائق شویم و این معضل از بین برود و اگر از بین نرفت هم به گونه‌ای نباشد که اگر خانواده‌ای 3 جوان دارد، هر سه آنها بیکار باشند. می‌توانم به مردم بگویم که وضع اشتغال در سال آینده بهتر از سال‌های گذشته خواهد شد.

البته مسأله‌ای به نام کارآفرینی هم هست که فکر می‌کنم نیروهای جوان تحصیلکرده بیش از اینکه دنبال کار دولتی باشند باید تبدیل به یک کارآفرین شوند و بتوانند با آن کار هم برای خود شغل ایجاد کنند و هم یک عده دیگر را مشغول کنند. یکی از کارهایی که جزو سیاست‌های ماست این است که با توجه به بازار محدود ایران و نبود تقاضای زیاد نسبت به کالای تولیدی داخل، شرایطی برای تولیدکنندگان فراهم آوریم و به صادرات غیرنفتی به عنوان یک موضوع اساسی فکر کنیم. در شرایط تحریم روی این مسأله وقت زیادی گذاشتیم، اما صادرکننده‌ای که کالای خود را ارسال می‌کرد، نمی‌دانست چه بر سر پولش می‌آید و وقتی آن را وصول کرد چگونه وارد کشور کند، از این رو بسیاری از تولیدکنندگان ما در آن سال‌ها آسیب‌های فراوان دیدند. در این زمینه برنامه‌هایی داریم و در بودجه سال 95 هم اعتباری برای تشویق اقلام صادرات در نظر گرفته‌ایم. مطابق این برنامه از اقلام کالاهایی که صادراتش ارزش افزوده دارد، حمایت می‌کنیم به این دلیل که با رفع تحریم شرایط بازار بین‌المللی برای ما فراهم شده است و فکر می‌کنم با این مجموعه سیاست‌ها برای تولید و سرمایه‌گذاری شرایط کشور بهتر از شرایطی که در کشور ایجاد شود.

* یکی از بزرگترین مشکلات در سال‌های اخیر اجرای نادرست اصل 44 قانون اساسی و واگذاری‌های مشکوک و سوال برانگیز بوده است. دولت برای اجرای درست اصل 44 و واگذاری حقیقی، نیازمند مبارزه جدی با کانون‌هایی است که در این سال‌ها قدرت عمل را در دست داشته‌اند و شاید همان‌ها مزاحم برخی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در آینده در کشور شوند. برای فائق آمدن بر چنین مشکلی چه برنامه‌ای وجود دارد؟

این عوامل در حدی نیستند که اجازه کار ندهند. اگر این دولت با اقتدار برنامه‌هایش را پیش ببرد اینها قدرتی نیستند که مانعی ایجاد کنند. باید بخش خصوصی را قدرت داد و حمایت کرد. باید برای برخی از نهادهای عمومی کار تعریف کرد. به هر حال نهادهای عمومی به عنوان یک توان در اختیار کشور هستند و اگر برای هر کدام زمینه کار خوب تعریف کنیم، می‌توانیم از توانمندی آنها برای توسعه کشور استفاده کنیم. وقتی زمینه کار خوب برای آنها تعریف نمی‌کنیم مزاحم بخش خصوصی می‌شوند و به

بخش‌هایی ورود پیدا می‌کنند که نباید ورود کنند و جایی که نیاز است ورود پیدا نمی‌کنند و کار کشور زمین می‌ماند. اکنون در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی که من جلساتش را برگزار می‌کنم، تقریباً روی این مسائل به صورت ریز بحث می‌کنیم که از همه ظرفیت‌های کشور چه نهادهای عمومی، چه نهادهای «خصولتی» و چه نهادهای خصوصی بتوانیم تعریف روشن داشته باشیم چرا که یکی از محورهای که مقام معظم رهبری تأکید کردند «مردمی کردن اقتصاد» است و باید به صورت مشخص تعریف کنیم که منظور از مردمی کردن اقتصاد چیست و کسی نباید هیچ اقدامی در مقابل مردمی کردن اقتصاد انجام دهد، این دیگر یک سیاست قطعی اقتصاد مقاومتی است و در جلسه‌ای که خدمت آقا داشتیم وقتی که گفتم دولت به تنهایی نمی‌تواند تمامی موانع را برطرف کند، ایشان در پاسخ من فرمودند: شما در اقتصاد مقاومتی جلو بیایید و من می‌دانم که مخالفت‌ها با شما زیاد خواهد شد و از شما حمایت می‌کنم تا دولت بتواند کارهایش را پیش ببرد.

ولی این که در زمینه اجرای سیاست‌های اصل 44 خیلی بد عمل شد، این هم واقعیتی است که پیش روی ما قرار دارد. انتظارمان در سیاست‌های اصل 44 این بود که تحول بزرگی در اقتصاد کشور به وجود آید. از دوره آقای خاتمی که ما هم در دولت بودیم پی‌گیری می‌کردیم که این سیاست‌ها اعلام شود تا اینکه نهایتاً این سیاست‌ها در دوره بعد اعلام شد.

یک بند از سیاست‌های اصل 44 این بود که ورود ابتدایی بخش خصوصی در هر سطحی از تولید و سرمایه‌گذاری بلامانع است؛ یعنی قبل از آن می‌رفتیم و از خارجی‌ها دعوت می‌کردیم که در ایران سرمایه‌گذاری کنند یا به بخش خصوصی می‌گفتیم که کار

بزرگتری انجام دهد؛ استدلال می کردند که قانون اساسی گفته است «صنایع و معادن بزرگ کشور باید در اختیار دولت باشند» و وقتی من بزرگتر شوم می گویند این هم دولتی است و باید مصادره اش کنیم! پس از این بیشتر جلو نمی آیم. خارجی ها به خودم می گفتند شما مکرر می گویند اکتشاف کن و اگر من معدن پیدا کردم و بزرگ بود شما طبق قانون اساسی آن را دولتی می دانید و از من می گیرید. به هر حال ابهامات جدی بود و این ابهامات را برطرف کردند، ولی یک خط نوشته نشد که بخش خصوصی که قرار شد بیايد و کارخانه داشته باشد، بنادر بزرگ، کشتی سازی و... داشته باشد، زیرساختهایش باید فراهم شود. از طرفی مهمترین کاری که انجام گرفت این بود که حدود 150 میلیارد دلار (به قیمت آن روز) کارخانه های بزرگی که قبل از انقلاب توسط دولت سرمایه گذاری شده بود، در آن دوره واگذار شد به گونه ای بود که متأسفانه کوچکترین هدف اصل 44 در آن محقق نشد.

هدف اصل 44 از واگذاری ها این بود که بهره وری در این کارخانه ها بالا برود. یعنی مدیریتش به بخش خصوصی داده شود و این بخش مالک شود، مدیریت را به دست بگیرد و از آن بهره برداری مطلوب انجام دهد و دلیل اینکه واگذاری صحیح انجام نشد، این بود که بخشی از آنها را به عنوان رد دیون به دستگاه های دیگر دادند یا مثلاً می خواستند به وزارتخانه ای کمک کنند، مثلاً می گفتند این نیروگاه را به وزارت دفاع بدهیم. نیروگاه از دستگاه تخصصی و فنی خودش یعنی وزارت نیرو منفک و به وزارت دفاع داده می شود. یا به بنیاد شهید بدهی داشتند، نیروگاهی را به بنیاد دادند. لذا واگذاری ها اشکال اساسی دارد و به بخش خصوصی واگذار نشده است یا گفته شده که 40 درصد کارخانه های بزرگ به سهام عدالت واگذار شده است. اولاً کسانی که سهام عدالت گرفتند احساس نمی کنند که آن را دریافت کرده اند و مالک جایی هستند. در مدیریت جایی نقش دارند، ولی نتیجه اش این شده است که بهترین کارخانه های کشور نه اجازه افزایش سرمایه دارند و نه دولت اجازه توسعه آنها را دارد!

یکی از دلایلی که توسعه در کشور کند شده این است که کارخانه هایی که همگی پیشران اقتصاد بودند مثل لوکوموتیو هستند وقتی که حرکت می کنند به دنبال خود دهها مجموعه دیگر را به حرکت درمی آورند، طبق اصل 44 از حوزه مدیریت دولتی خارج شدند ولی بلامتکلیف ماندند. اوایل به عنوان مثال شرکت هواپیمایی ایران بی صاحب مانده بود. از طرفی وزارت راه می گفت این شرکت متعلق به من نیست و آن را از من گرفته اند و از طرف دیگر سازمانی می گفت این شرکت به درد نمی خورد و حاضر نیستم آن را قبول کنم. هواپیمایی ملی کشور را که نمی توان به حال خود رها کرد، لذا در برخی موارد تصمیم گرفتیم و گفتیم این گونه شرکت ها به دولت برگردد. حال برخی فکر می کنند ما مغایر با خصوصی سازی تصمیم گرفتیم.

نه! ما آن را نجات داده ایم و گفتیم این مجموعه به دست صاحبش برگردد تا ببیند چه می خواهد بکند. اصلاحش کند و بعد از اصلاح واگذار کند، لذا به نظر می آید که خصوصی سازی از مسیر خود منحرف شده است و باید حتماً در مسیر و ریل صحیح خودش برگردانده شود و حتماً هم همه بنگاه ها در اجرای سیاست های اصل 44 باید به بخش خصوصی واقعی واگذار شوند.

از نهادهای عمومی هم خواسته ایم اگر بنگاهی در اختیارشان بود و نمی توانیم براساس قانون آن را پس بگیریم اگر شرایط بورس و شرایط اقتصادی خوب فراهم شد آنها را هم واگذار کنند.

* ایجاد امنیت برای فعالیتهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خواست بحق شهروندان از دولت است. ولی می دانید که در این زمینه ها برخی عوامل خود یا کانون های قدرت غیررسمی عملاً جلو کار را می گیرند. برای جلوگیری از این تناقض چه تمهیداتی اندیشیده اید؟

آنچه که مهم است باید بپذیریم که همه تابع قانون باشیم. فکر می کنم یکی از زبان هایی که کشور در مقطعی دید این بود که قانون در آن کم ارزش شد، قانونگرایی در آن آسیب دید. مطمئناً بی قانونی باعث می شود که به سمت استبداد برود، ما که انقلاب کردیم و دلسوز انقلاب هستیم باید مانع این شویم که افراد خودسر بتوانند قانون کشور را زیر پا بگذارند.

فرقی هم نمی کند یک عده تصمیم بگیرند یک سخنرانی را به هم بزنند یا یک عده تصمیم بگیرند یک کار خلاف قانون دیگر انجام دهند. قبح قانون وقتی شکسته شد، یک نفر هم پیدا می شود که 2 میلیارد و 700 میلیون دلار پول مملکت را می برد. قانون اگر ارزش خود را می داشت وقتی مسئول امضا می کرد، اولین سؤالش این بود که آیا من اختیار قانونی دارم که چنین امضایی انجام دهم حتماً این اتفاقات نمی افتاد. حال آقایی که فکر می کند دلسوز است و می رود یک سخنرانی را به هم می زند باید بداند که با این کار دارد نطفه بی قانونی عمل کردن در کشور را می بندد. فرد دیگری کار دیگری خلاف قانون انجام می دهد. باید بپذیریم که قانون اصل باشد. ما در این دولت واقعاً می خواهیم قانونگرایی و قانونمندی به معنای واقعی آن حاکم باشد. به دلیل برخی اتفاقات یکی از استانداران را برکنار کرده ایم و هر جا نیاز باشد مسئول دیگری برکنار کنیم، این کار را می کنیم، مصمم هستیم امنیت همه مجامع و جلساتی که قانونمند هستند و در چارچوب قانون مجوز می گیرند، برقرار کنیم. این عزم جدی دولت است. رئیس جمهوری روی این موضوع جدی است و دستگاه ها مکلفند این مسیر را طی کنند. البته ممکن است زمان ببرد تا این موضوع را به صورت کامل جا بیندازیم، اما جدی هستیم، این کار را دنبال می کنیم. حتی من در جلسه استانداران گفتم که یکی

از شاخص‌های ارزیابی از استانداران این است که چقدر توانستند شرايطي به وجود آورند که شهروند در حوزه مسئولیت او احساس امنیت کند و بتواند جلسه و برنامه داشته باشد و تجمع قانونی که قانون به او اجازه داده است را برگزار کند.

* حادثه حمله به سفارت عربستان نشانه بدی بود...

یکی از کارهای خلاف قانون بحث سفارت‌ها است. با چنین کاری چقدر به منافع ملت آسیب زده شد؟ مگر این منافع به این راحتی قابل جبران است؟ مگر به راحتی می‌توانیم جلو هزینه‌هایی که به ملتی تحمیل شده است بگیریم؟ آنجا در موضوع سفارت می‌دانم که مقام معظم رهبری جدی هستند و کار تا آخر باید دنبال شود. ایشان مکرر روی این موضوع دستور دادند که حتماً تا آخر دنبال شود.

رئیس جمهوری مصمم است و اعضای شورای عالی امنیت ملی به اتفاق که رؤسای سه‌قوه در آن عضویت دارند از ابتدا معتقد بودند که نباید اجازه داد کسی جلو سفارت جمع شود. اگر کسی بخواهد علیه کشوری تجمع کند در جای دیگر این کار را بکند و حرفش را بزند و مانع حرف کسانی که می‌خواهند آن را به گوش کشور مورد نظر برسانند نشویم، اما جلو سفارت، مرکزی است که دولتی به اعتماد دولت جمهوری اسلامی ایران دفتری در آن ایجاد می‌کند. اینکه گفته شود به یک سفارت حمله شده است هنر نیست. جز بی‌اعتبار کردن نظام و دولت چه چیز دیگری را با این حرکت‌ها می‌توان به ثبت رساند؟ این موضوع را تا آخر دنبال می‌کنیم و حتماً هم با متخلفان برخورد خواهد شد و دستگاه قضایی هم جدی است تا با متخلفان برخورد شود. امیدوار هم هستم نتیجه‌اش به اطلاع مردم رسانده شود.

* شما در این دولت بیشترین بیرق مبارزه با فساد را به دست داشتید و بیشترین صحبت را درباره مبارزه با فساد کردید. اصطلاحی داشتید با عنوان فساد نهادینه شده و سازمان‌یافته. فساد سازمان‌یافته تعریفی دارد؛ دارای تشکل منسجم و فرمانده است. آیا این فساد سازمان‌یافته کماکان ادامه دارد؟ سال گذشته رئیس جمهوری حکمی داد که شما در مورد فساد گزارش بدهید. می‌خواهم بدانم آخرین دستاوردها در مبارزه با فساد سازمان‌یافته چه بوده است؟

متأسفانه در سال‌های گذشته مبارزه با فساد به یک حربه سیاسی تبدیل شد و از مسیر خود منحرف گردید. این موضوع ساز و کاری شد که مثلاً بنده برای اینکه فرد مخالف را از صحنه خارج کنم به گونه‌ای حرف بزنم که جامعه به این سمت هدایت شود که طرف من فردی است که با روش‌های فسادانگیز توانسته به مال و ثروت دسترسی پیدا کند. یا اینکه چون می‌دانیم مردم روی موضوع فساد حساسیت دارند طی گفته‌های مبهم پرچمی بلند کنیم که احساس کنند که این مجموعه‌ای است که می‌خواهد مبارزه با فساد کند و حتماً مجموعه مقابل آنها آلوده هستند. ما وقتی در این دولت مشغول شدیم، مسائل نگران‌کننده دیدیم. اولاً با همه ضعف‌هایی که در مدیریت جمهوری اسلامی ایران وجود داشت، هیچ‌گاه مدیریت کلان ایران متهم نشده بود که آلوده است و کارهای شبهه‌ناک از نظر مالی انجام داده است. اما متأسفانه در دولت قبل معاون اول زندانی است، معاون اجرایی وی مدت‌ها بازداشت بوده است و معاونان مختلف متهم هستند. اعداد و ارقامی اعلام شده است که نجومی است. فساد مالی مه‌آفرید عدد بزرگی بود و بعد از آن میزان فساد مالی بابک زنجانی عدد چند هزار میلیارد تومان است، کشف شد. اتفاقاتی که در برخی سیستم‌های بانکی افتاده تلخ است. من به این نتیجه رسیدم که باید ابتدا انسجامی در قوای سه‌گانه به وجود آید و نشان دهد که عزم کشور در مبارزه با مفاسد جدی است و دنبال دعوی سیاسی و متهم کردن دیگران نیست و نمی‌خواهیم پرونده‌سازی برای افراد بکنیم. بنابراین ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی که در اجرای فرمان مقام معظم رهبری شکل گرفته بود، فعال شد و مسئولیتش با بنده است. مسئولان سه‌قوه در این ستاد شرکت می‌کنند و کار اصلی آن هماهنگی سه قوه در مبارزه با فساد است. سعی کردیم هماهنگی‌هایی که با قوه قضائیه و مقننه داشته باشیم و به‌صورت مرتب جلساتی گذاشته‌ایم و همه اعضا هم شرکت می‌کنند. کار دوم که انجام شد پیشگیری از بروز فساد در دولت بود که کاری بسیار مهم است.

* در دولت قبل اتفاقاتی افتاده و پرسش این است که آیا ممکن است آن اتفاقات باز هم تکرار شود؟

نمی‌توان به‌طور قاطع گفت؛ نه. لذا مهمترین کاری کردیم این بود که در هر وزارتخانه مجموعه‌ای که باید تمامی گلوگاه‌های داخل وزارتخانه را کنترل و نقاطی را که ممکن است فساد در آن رخ دهد شناسایی کند تا موانع برطرف شود و مسئولیت هم متوجه بالاترین مقام آن دستگاه باشد. همچنین سامانه‌ای در دبیرخانه ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی ایجاد کردیم که شورای عالی امنیت ملی، وزارت اطلاعات و سایر دستگاه‌ها عضو آن هستند. همزمان با آن در نظام اداری، دولت الکترونیک را دستور کار اصلی قرار دادیم تا با استقرار آن، کارها شفاف انجام شود و کار مبهمی نباشد که بتواند تبدیل به اتفاقات دیگر شود. پیشگیری را این‌گونه پیگیری کردیم و مصادیقی هم به دستگاه قضایی منتقل شده و در حال پیگیری است و حتماً برای مردم اطلاع‌رسانی می‌کنیم. در پاسخ به کسانی که گاهی می‌گویند ما به دنبال افشاگری هستیم، لازم است متذکر شوم که اساساً شیوه این دولت افشاگری نیست و این روش را قبول نداریم. هیچ‌گاه مسأله‌ای را در مورد فساد نگفته‌ام مگر اینکه پرونده‌اش در

دستگاه قضایی شکل نگرفته باشد یا حتی در مواردی افرادی در آن محکوم نشده باشند. به هر حال موارد زیاد است و شاید برخی افراد ناراحت شوند. اصولاً مبارزه با فساد کار پرهزینه‌ای است. کسی که می‌خواهد مبارزه کند باید ابتدا از خودش مطمئن باشد، این یک بحث جدی است و وقتی کسی با خودش خلوت می‌کند باید بررسی کند که دامنش آن قدر پاک است که می‌خواهد بیاید و دیگران را توصیه به پاک بودن بکند؟ این یک موضوع جدی است و باید به صورت جدی دنبال کرد ولی باید بپذیریم که به دلیل سازمان‌یافته شدن مفاسد و نفوذ آن بعضاً به سطوح بالای کشور و گستردگی دامنه فساد آنهایی که در این مسیر هستند و تلاش می‌کنند تا با روشهای مختلف افراد را از این مسیر بازدارند ولی من مصمم شده‌ام که باید در این مسیر جلو رفت و این ننگ را از دامن جمهوری اسلامی پاک کرد. مردم ایران باید مطمئن شوند که جریان سالمی در اقتصاد کشور ایجاد شده است. البته راه دشوار است. اقدام کوتاه‌مدت نیست؛ سخت است نظام اقتصادی ایران بسیار دولتی است و به همین دلیل بسیاری از مسائل در آن به وجود می‌آید. اگر یک وقت قبح قضیه شکسته شود کاری به ظاهر ممکن است خلاف قانون هم نباشد، ولی حتماً این کار فساد است. مثل اینکه هیأت مدیره مجموعه‌ای اختیار داشته باشند به خودشان وام بدهند و از نظر قانونی هم مشکل نداشته باشند. آنها دور میز بنشینند و رأی‌گیری کنند و به هر کدام به میزان دلخواه وام بدهند، هر کس از بیرون این ماجرا را بشنود، بگویند مانند هر شهروند دیگری وام داده‌اند اما این چه نحو وام دادن است؟ بروید به سطوح بالاتر که پرونده‌هایی وجود دارد که هنوز آنها را باز نکرده‌ام.

* به هر حال مقابله با فساد شفافیت هم می‌خواهد.

درست است، شفافیت و اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن و مردم را در جریان قرار دادن یک واقعیت است. حتماً باید مبارزه با فساد را حساسیت عمومی کنیم. باید کاری کنیم که قبح و هزینه اقدام به فساد اینقدر بالا برود که بازدارندگی ایجاد کند به گونه‌ای که کسی به خودش اجازه اقدام به فساد ندهد. بنابراین باید موضوع شفافیت در عملکردها را جدی بگیریم. اتفاقاً وقتی می‌گویم چرا این‌گونه شده است، یکی از دلایلیش، نبود شفافیت کارهای دولت بود. حتماً یکی از دلایلیش پایین بودن به قانون و سیاسی کردن مبارزه با فساد بوده است. اگر بخواهیم این دلایل را برطرف کنیم باید کار دنبال کنیم. مثلاً وقتی پرسیدند که چرا لیست بدهکاران بانکی را نمی‌دهید، نام 577 بدهکار بزرگ را دادیم و آنان را به قوه قضائیه معرفی کردیم. راجع به زمین خواری با آیت‌الله لاریجانی هماهنگی کردیم و گفتیم پرونده‌هایی راجع به زمین خواری وجود دارد که سال‌ها از ارائه آن به قوه قضائیه می‌گذرد و همه را جمع کردیم و من نامه‌ای برای آقای لاریجانی نوشتم و گفتم که این پرونده‌های زمین‌خواری است. در این نامه نوشتیم که مثلاً از سال‌ها پیش فردی این مقدار زمین را تصاحب کرده است و پرونده‌اش سال‌هاست در قوه قضائیه است و ایشان هم دستور داد که مراحلش را پیگیری کنند. یعنی هر موردی را مطرح کردیم، جدی ایستاده‌ایم که رسیدگی شود.

در روزهای آخر دولت قبل، رئیس جمهوری بودجه دولت 16 میلیارد تومان به حساب دانشگاهی می‌ریزد که فقط یک برگ کاغذ است و نه دانشگاهی و نه ساختمانی و نه دانشجویی وجود ندارد. پرسش این است این همه دانشگاه خصوصی وجود دارد که دولت می‌تواند به آنها کمک کند و به این دانشگاه هم می‌توانسته کمک کند؟ دانشگاه خصوصی که سال‌ها تشکیل شده و 10 هزار دانشجو دارد چطور نتوانسته است از کمک دولت بهره‌مند شود، اما این دانشگاه فقط به دلیل اینکه منتسب به مقامات کشور بود، باید این مقدار بودجه دریافت کند؟ وقتی روند مجوز دانشگاه یادشده را می‌بینید برایتان جالب است که بدانید درخواست تأسیس اول مرداد در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و اعلام می‌شود که با کلیات آن موافقت شده است. اساسنامه آن را هم وزیر علوم تأیید می‌کند و هیأت مؤسس و امنا شکل می‌گیرد. پس فردا یک نفر از اعضای هیأت مؤسس به یکی از مقامات نامه نوشته که این دانشگاه تأسیس شده است و دستور دهید که این مقدار کمک شود. نامه به معاون رئیس جمهور می‌رسد. معاون رئیس جمهوری تحویل رئیس جمهور می‌دهد. رئیس جمهور می‌نویسد: «موافقت می‌شود». سازمان مدیریت برنامه‌ریزی هم بودجه را تخصیص می‌دهد و پرداخت می‌شود. وقتی اینها در سیستم مدیریت رخ می‌دهد مدیر باید بداند که فرد زیر دستش با دیدن این مسائل چگونه عمل خواهد کرد. وقتی که استاندار اصفهان بوم به مناسبت سال نو، چند بسته گز به مدیران داد. وقتی وزیر شدم باید می‌رفتم دیوان محاسبات و توضیح می‌دادم که پول گز را از کجا آورده‌ام. هرگز به خاطر این پرونده ناراحت نشدم که می‌روم پاسخ می‌دهم چرا که فکر می‌کردم به چه مناسبت من 5 کیلو گز را با بودجه دولت به مقامی داده‌ام، پس باید پاسخ دهم و این حساسیت باعث شده بگویم که اگر آقای خاتمی به جای 16 میلیارد تومان 16 میلیون تومان به حساب بنیاد باران ریخته بود الآن با او چه کار می‌کردند؟ این که خبردار شویم، پول برگشت داده شد آیا کار تمام است؟ واریز 16 میلیارد تومان به حساب دانشگاه سوء استفاده از موقعیت نیست؟ بنده اعتقاری در اختیارم هست و به من گفته شده است که از این اعتبار می‌توانید به نهادهای عمومی و خیریه‌ها کمک کنید و من بروم یک خیریه بزنم و بگویم به آن کمک کرده‌ام؟ آیا این واقعاً شرعی و قانونی است؟

شکل دومی از فساد که کمتر از آن صحبت کردید چیزی است که به آن ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گویند. خبری منتشر شد که آقای علی مطهری گفتند و در رسانه‌ها هم آمد که گزارشی از وضع ناهنجاری‌های اجتماعی نزد مقام معظم رهبری ارائه شده و ایشان از شدت ناراحتی گریستند. شما بهتر می‌دانید که وضع اصلاً مساعد نیست و دست کم چهار میلیون معتاد داریم. وضع آسیب‌های اجتماعی خیلی بد است و اینها تابع عوامل مختلفی در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی است. دولت در گیر و دار

مسائل اقتصادي و تحريم‌ها به نظر مي‌رسد كه کمتر توجه به اين حوزه داشته است كه در سطوح پايين‌تر دامن‌گير مردم مي‌شود و دهك‌هاي پايين را بيشتر درگير مي‌كند آيا واقعاً دولت كاري براي مقابله با اين نوع فساد و ناهنجاري‌هاي اجتماعي در دستور كار دارد؟

من در آن جلسه اي كه در خدمت رهبري راجع به آسيب‌هاي اجتماعي بحث شد، بودم. آسيب‌هاي اجتماعي به شرايط نگران‌كننده‌اي رسيده است. از حاشيه‌نشيني تا اعتياد و مسائل ديگر موجود در جامعه. با آسيب‌هاي اجتماعي بايد برخورد دقيق اجتماعي كرد. نمي‌توان آنها را امنيتي كرد و بدون اتكاي به مسائل جامعه با برخوردهاي محدود و مقطعي محدود حل و فصل كرد. بايد ريشه‌يابي شود و دلایلش را شناسايي كنيم. بايد با ريشه‌ها برخورد شود. چه مي‌شود كه مردم ترجيح مي‌دهند از مناطق خود به حاشيه شهرها بيايند و بدون جا و مكان بمانند و سپس بقيه مسائل به دنبال آن به وجود آيد. در گذشته در محله‌هاي يك شهر، امام جماعت محل و ريش‌سفيدان موقعيتي داشتند و اگر اتفاقي رخ مي‌داد، خودشان حل و فصل مي‌کردند. ما با مسائل فرهنگي و اجتماعي نمي‌توانيم صرفاً برخوردهاي سياسي يا مقطعي انجام دهيم يا فضا را امنيتي كنيم. بايد سرمايه‌هاي اجتماعي را به حركت درآورد. بايد كاري كنيم كه مردم نسبت به اين مسائل احساس مسئوليت كنند و يك عزم ملي در آنان به وجود آيد بايد دغدغه مردم را بالا برد. دولت براي حل اين مسأله جدي است. تصميم گرفته شد كه مسائل اجتماعي وارد حوزه شوراي عالي انقلاب فرهنگي شود و تصميم گرفته شد كه برخي از افراد مانند وزير كشور به اعضاي شوراي عالي انقلاب فرهنگي افزوده شوند. همچنين تصميم گرفته شد مركز يا سازمان مسائل اجتماعي در وزارت كشور تأسيس شود. شوراي اجتماعي كه اكنون به رياست وزير كشور تشكيل مي‌شود منبعد به رياست رئيس جمهوري تشكيل خواهد شود. حساسيت دولت هم راجع به اين مسائل بالا است. لازم است راجع به آنها با برنامه‌ريزي كار كنيم. ما هم جمع دوستانه خارج از دولت داريم كه به مدت دو سالي است كه در نهاد رياست جمهوري در جلسات حضور پيدا مي‌كنند و بحث تبادل نظر مي‌كنند و نتيجه بحث‌ها را به ما مي‌دهند و مي‌گويند كه چه روش‌هايي را در پيش بگيريم تا اين معضلات را حل كنيم. به هرحال مسأله خيلي پيچيده است و بايد جويابي نظر صاحب‌نظران مختلف در حوزه هاي گوناگون شد. همه بايد كمك كنند تا با آسيب‌هاي اجتماعي به گونه‌اي مقابله كنيم كه به سمت بحران اجتماعي پيش نرود، چون مراحل مختلف دارد كه اگر پيشگيري نكنيم تبديل به بحران اجتماعي مي‌شود و مقابله با آنها دشوارتر خواهد بود.

* ايام عيد چه مي‌كنيد؟

تا وقتي كه پدرم در قيد حيات بودند روزهاي عيد نزد ايشان مي‌رفتيم و امسال اگر خدا توفيق بدهد نزد مادر مي‌روم آن هم به مدت يك روز و سپس به تهران بازمي‌گردم تا به كارها برسم.